



جلسه ۱۱

دوره هشتم تقنینیه

صورت مشروح

مذاکرات مجلس

(بدون مذاکرات قبل از دستور)

جلسه چهارشنبه ۶ اسفند ماه ۱۳۰۹ - ۷ شوال ۱۳۱۸

قیمت اشتراك سالانه ۱۰۰ تومان
 داخلكه ۱۰۰ تومان
 خارجه ۱۲۰ تومان
 تك شماره: يكقران

مطبعه مجلس

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز چهارشنبه ۶ اسفند ماه ۱۳۰۹ هـ (مقدمه خرداد ۱۳۰۹)

فهرست مذاکرات

- ۱) تصویب صورت مجلس
- ۲) تصویب پانزده فقره مرخصی
- ۳) تصویب دو فقره لایحه از طرف کتلت وزارت اقتصاد ملی
- ۴) طرح و تصویب لایحه انحصار تجارت خارجی
- ۵) طرح و تصویب لایحه انحصار تجارت
- ۶) اعلام عذر غایبی
- ۷) اعلام دستور جلسه بعد

مجلسی پانزده ساعت و سه ربع قبل از ظهر برپاست آقای دادگر تسکین گردید

[۱ - تصویب صورت مجلس]

صورت مجلس شنبه ۴ اسفند ماه را آقای مؤید احمدی (مجلسی) قرائت نمودند

ولیس - در صورت مجلس نظری نیست (کلیتند خبر)

صورت مجلس تصویب شد.

(۴ - تصویب پانزده فقره مرخصی)

ولیس - پانزده فقره مرخصی خیر از کپ-پون عراقینی و مرخصی

و سبده است قرائت میشود:

عائزنده محترم آقای آقا زاده میزبانی دولت عارضه

کلیات وعدم توانایی حرکت و حضور در مجلس تقاضای

پنجاه روز مرخصی از تاریخ ۲۵ دیماه ۱۳۰۹ نموده اند

کپ-پون خیر آرا تقدیم میدارد.

ولیس - آقای انور

المر - بنده بوقتیم اگر کسی مخالفت کرد توضیح

می دهم.

ولیس - آقای و نوق

و نوق - بوقتیم

ولیس - آقای روسی

روحمی - بوقتیم کسی مخالفت نیست.

ولیس - رأی همگییم بهدلول راپرت موافقین قیام

فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد.

ولیس - آقای سنجی

(۳ - تقدیم دو فقره لایحه از طرف کتلت وزارت اقتصاد ملی)

سنجی (کتلت) وزارت اقتصاد ملی - در فقره لایحه

است راجع به تجارت خارجه ایران که باید دو فوریت

است و دیگری بطور عادی بدو این لایحه نوری و المارک

می گذیم که آقایان نمایندگان مستحضر شوند:

ساجت محترم مجلس شورای ملی - از جمله مسائل که

لازمه اهتمام امور اقتصادی و مملکت است و در ضمن هر گرام

دولت اساس آرا تصویب فرموده اند تبدیل صادرات و

واردات میباشد این مسئله علاوه بر مزایای که فی حد ذاته

در بردارد وسیله دلتوری برای حمایت و ترویج صنوعمان

داخلی نیز خواهد بود و انجام چنین امری هم وقتی ممکن

هستد عین مذاکرات مشروح بازدهمین جلسه از دوره هفتم تقابلیه. (مجلسی قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۹)

دایرا تصویب و نظیر صورت مجلس

است که تجارت خارجی در انحصار دولت بوده و حتی وارد کردن و صادر نمودن زمین میزان واردات و صادرات مخصوص دولت گردد لذا ماده واحده ذیل را پیشنهاد کرده و برای اینکه در اجراء مبدلون آن مشکلاتی تولید نمود نفعاتای صوبی آرا بقیداً در او رپوت مینماید

ماده واحده - از تاریخ تصویب این قانون تجارت خارجی ایران در انحصار دولت بوده و حق وارد کردن و صادر کردن کابیه محصولات طبیعی و صنعتی و تعیین موقع یا دائمی میزان واردات و صادرات مزبور به دولت و اگذار و فروش و دولت مینماید تا صوبی متمم این قانون از ورود مال التجاره خارجی بحدک ایران جلوگیری نماید لایحه دوم همان متمم این قانون است که بمذقات و مطرح خواهد شد

رئیس - ماده واحده را با یک پارچه بگذراند و میخوانیم و بعد مطرح میشود

ماده واحده بفرح سابق قرائت شد

رئیس - متمم این قانون که مربوط بلامحه است ضروری ندارد آهم خوانده شود

فقیر - البته متمم در شوروی است آهم خوانده شود

رئیس - میخوانیم

ساحت محترم مجلس شوروی ملی شید الله از کانه ماده واحده که راجع بانحصار تجارت خارجی صوبی فرموده اند البته اساس کار را معلوم مینماید اکنون لازم است کبک شانسجاری آن مجلس و ماورین دولت و متصدیان امور تجاری هم که در حلقه به تکلیف خود واقف کردند لذا مواد ذیل را پیشنهاد و نفعاتای صوبی آرا مینماید

مظنون کلی از مواد مذکور در فوق و حمایت منافع داخلی و بهبودی و تنوع محصولات ارضی و طبیعی مملکت و بالاخره حدود نمودن ورود اتمته است که با ضرورت عمومی نداشته و با نظیر مشابه کلی در ایران دارند و در چون حال خوبی دولت است کما جرای منویات فوق منکه بجزبان امور تجاری وارد باورده و مقررات اجراء

آن زحمتی برای تجار تولید ننماید.

ماده ۱ - برای اجرای ماده واحده راجع به انحصار تجارت خارجی مواد ذیل مقرر میگردد:

ماده ۲ - دولت اجازه دارد که حق وارد کردن محصولاتی را که خود میپوشاند مستقیماً عمده دار بشود و برای اتمام اجزای مخصوص و در تحت شرایط مقید با شانس و با مؤسسات مختلفه اگذار نماید . در چو از های مذکوره که مدت آنها بیش از یکسال نخواهد بود نوع و میزان مال التجاره واردی رودی و نفعاتای دیگر وارد کنندگان از قبیل عدم احتکار و فروش جنس به قیمت عادلانه و تبعیض نکردن در فروش و امثال آن معین خواهد گردید

ماده ۳ - وارد کردن محصولات طبیعی و یا صنعتی خارجه بایران که دولت اجازه ورود آنها را با شانس و یا مؤسساتی میدهد مشروط بشرط حتی صادرات محصولات طبیعی و صنعتی ایران و در حدود قیمت صادرات مذکور است امه از اینکه خود وارد کننده صادر کننده باشد و یا توسط دیگری صادر شده باشد

نفت و مواد نفتی و محصولات شیلات از این قاعده مستثنی بوده و صدور آنها حق وارد کردن مال التجاره را در مقابل یکسای نفعات خواهد داد

در مواد ذیل وارد کردن هر نوع محصولات خارجی مجاز و از الزام صادر کردن محصولات ایران معاف خواهد بود

۱ - اجناسیکه دولتی برای احتیاجات خود وارد مینماید

ب - اجناسیکه بطور ترازیت وارد خاک ایران میشود

ج - اجناسیکه برای فروش تولید و بپول خرید آن در بازار ایران تحصیل نمیشد بشرط اجازه مخصوص دولت

د - اجناسیکه برای احتیاجات شخصی اشخاص و مؤسساتی که دارای معاشرت کمرکی مینماید وارد بشود

ماده ۴ - دولت مکلف است همه ساله قبل از اول بهر ماه و در امسال بلافاصله پس از تصویب این قانون با در نظر گرفتن مدتی کبرای سفارش و حل اجناس لازم است احتیاجات مملکت را با اجناس ورودی معین کرده و برای اطلاع عامه اعلام نماید .

اجناس ورودی مزبور بدو طبقه تقسیم خواهند شد

۱ - اجناسیکه حق وارد کردن آنها ببیزان و با مبلغ معینی و بشرط اجرای مقررات ماده ۲ از طرف دولت به کانه دیگر و اگذار میشود

ب - اجناسیکه دولت حق وارد کردن آنها را برای خود محفوظ نموده و یکسای دیگر این حق را نمیدهد .

صورتهای مذکور در هر سه اقتصادی که از اول بهر ماه هرسال تا آخر خرداد ماه سال دیگر است قابل جرح و تعدیل خواهند بود .

وارد کردن اجناس مذکوره در فقره (۱) بیش از مبلغ پانیزان معینه از طرف دولت ممنوع است مگر با اجازه مخصوص هیئت دولت

ماده ۵ - ورود هر یک از محصولات خارجه بحدک ایران علاوه بر تمهید صدور تمکن است از طرف دولت مشروط است باینکه حقوق و عوارضی که در موقع ورود اخذ میشود بریال طلا ببیزان در عوض یکقران در خس در یال طلا اخذ شود و همچنین ساخته شدن آنها بطور خاص و بایسته شدن بشکل مخصوص شرط اجازه ورود قرار داده شود

ماده ۶ - برای حفظ منافع عموم وارد کنندگان کابیه اجناس مذکوره در فقره ۱ ماده (۴) بین دفاتر گمرکی معینی تقسیم شده و فقط به میزبانهای از طرف دولت اجازه ورود از دفاتر مذکوره داده خواهد شد .

ورود اجناس اضافی از دفاتر معینه ممنوع است مگر با اجازه مخصوص دولت همچنین دولت حق خواهد داشت که صدور پاره اجناس ایران را فقط از دفاتر معینه بحدود بزرگ و از دفاتر دیگر منع نماید .

ماده ۷ - خارج کردن کابیه اجناس ورودی از گمرک که وارد کردن آنها مقید بصدور محصولات ایران است مشروط بیکسای از شرایط ذیل میباشد:

ا) ارائه تصدیق صدور محصولات ایران ببیزان مال التجاره ورودی قطع نظر از عویت صادر کننده .

ب) تمهید قابل قبول و مطمئن که متنها در ظرف سه ماه ببیزان مال التجاره ورودی تصدیق صدور محصولات ایران ارائه داده شود

بصره - دان اجازه خروج از گمرک به ندهای اجناس که وارد گمرک شده اند برای نشان دادن به مشتریان مجاز خواهد بود ولی در موقع خروج مجموع جنس نوه های مذکوره نیز در جزء نفعات وارد کننده محسوب خواهد شد .

ماده ۸ - اجازه صدور محصولات ایرانی باستانی مواردیکه دولت خود متممی صدور شده و با حق انحصاری صدور خود را عملاً یکسای دیگر و اگذار نماید مقید بقیدی جز الزامات قانونی که در موقع صدور باید مراعات بشود نخواهد بود .

ماده ۹ - در موقع صدور محصولات ایران اداره گمرک مکلف است که مخصوصاً محصولاتی را که صدور آنها اجازه ورود اجناس خارجی را میدهد بوقت تقوی کرده و قبوت حقیقی صادرات مزبور را مطابق نرخ عمل دلتز و قیمت معین نماید .

بلیغ صادرات مزبور و اسامی صادر کنندگان و مقصد صدور در دفاتر مخصوص ثبت خواهد شد و بر طبق نفعاتای صادر کننده از طرف گمرک تصدیق صدور صادر کننده و مقصد صدور و اسم صادر کننده و مقصد صدور خواهد شد .

تصدیقنامه های مذکور در ظرف سه ماه حق وارد کردن اجناس مذکوره در فقره ۱ ماده ۴ و امسال بلیغ صادرات به ارائه دهند می دهد و در موقع ورود تصدیقنامه های صدور ثبت خواهد شد .

در صورتیکه تا نفعاتای سه ماه تصدیقنامه های مذکور برای تحصیل حق ورود بدقت گمرک داده نشود از درجه اعتبار ساقط بوده و معادل صادرات معینه در تصدیقنامه ها خود دولت میتواند اجازه وارد کردن اجناس ورودی مذکوره در فقره ۱ ماده ۴ را بهر کسی که میخواهد بدهد .

نظراً تقسیم واردات مزبور و میزانیکه یک شخص و یا مؤسسه اجازه داده میشود بر طبق نظامنامه مخصوص پس

خواهد آمد در هر یک از دفاتر کمرکی جهت تقویم یا مشارکت تجار محلی تفکیک نامه خواهد شد و تقویم واردات و صادرات توسط جهت ضرورت حمل خواهد آمد اجناس ورودی نیز مطابق قیمت محل دفتر ورود تقویم خواهد شد.

ماده ۱۰ - دولت مکلف است موجبات مرغوب تر یک از محصولات تصدوری سلطنت را تهیه کرده و بر مردم نشان بدهد که صادرات مطابق چه نمونه‌ها باید تهیه شود پس از اینکه مصادرات ضروریه حمل آمد و از طرف وزارت خنایه مربوطه استیضای لازم حاصل گردید و نمونه‌های مذکور به ادارات گمرک نیز داده شد دولت مجاز خواهد بود که از صدور محصولیکه مطابق نمونه و شرایط مینه نبوده و بواسطه عدم مرغوبت سکه به حسن شهرت صادرات سلطنت وارد می‌نماید جلوگیری نماید.

ماده ۱۱ - ادارات گمرک مکلفه است بوسیله دفاتر خود احصایهای منظمی از صادرات و واردات ممالک یا همین اسامی واردکننده کالان و صادرکنندگان و نوع و میزان مبلغ صادرات و واردات و ممالک و مبداء واردات و مقصد صدور نگاه داشته و همواره خلاصه احواله‌های مذکور را به ادارات مربوطه مرکزی ارسال دارد تا اینکه میزان واردات و صادرات مابین سلطنت در دست باشد از طرف ادارات مربوطه میزان واردات و صادرات باقیمان آنها بمسائلک مبداء و مقصد برای اطلاع عامه منتشر خواهد شد.

ماده ۱۲ - هر صادرکننده ملزم است که صدی صد اسعار خارجی صادرات خود را به میزان تقویمی که در موقع صدور حمل می‌آید به دولت بفرشد. جهت وزراء میتواند بعضی از صادرکنندگان را کلاً یا جزاً از این الزام معاف نماید.

اسعار مورد درج در اول برای وارد کردن اجناس مذکور در دفتر ۱ ماده ۱۰ تخصیص داده میشود و در صورتی که صادرکنندگان بمسائلک منتهی از الزام فروش اسعار خود بدون معاف شوند در مقابل دولت نیز برای وارد کردن واردات آن مسائلک از اذعان اسعار خود داری خواهد نمود.

ماده ۱۳ - نسبت بانجاسی که جزء قشر ب ماده ۱۰

بوده ولی قبلاً تصویب ماده واحد و ارجاع به انحصار تجارت سفارتی داده شده است و هنوز وارد نگردیده است بشرایط ذیل در مدت ۶ ماه از تاریخ تصویب این قانون اجازه ورود داده خواهد شد.

۱ - هر سورلیکه که طرف بکفایت از تاریخ اجرای این قانون اسناد مثبت و وقوع معامله هر در مرکز و ولایت بضمیمه بانک ملی و در ضابطیکه با کسلی موجود هست با ادارات مالیه ارائه دهد و صحت آنها تصدیق شود

۲ - پس از تصدیق صحت اسناد مثبت و وقوع معامله وارد کننده تمهید کند که بمیزان اجناس ورودی خود محمولات ایرانی را مطابق مقررات ماده ۷ صادر نماید ۳ - کلیه اجناسی که جزء قشر ب ماده ۱۰ بوده و پس از اجرای این قانون وارد سلطنت شود در دست هر کس باشد ناقص محسوب شده و ضبط خواهند شد و متخلفین به مجازاتهای مینه قانونی خواهند رسید. ماده ۱۵ - این قانون پس از تصویب بموقع اجرا گذارده میشود.

۴ - طرح و تصویب لایحه انحصار تجارت خارجی رئیس - متمم فرستاده میشود و یکمسیون وزارت اقتصاد بر محل فوریت اول لایحه اول مطرح است

رئیس - آقای روحی موافقت رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - بنده در اصل مطلب عرض دارم رئیس - در فوریت غنائی نیست (گفتند - غیر) موافقت با فوریت اول قیام فرمائید (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. با فوریت ثانی هم غنائی نیست (گفتند - غیر) موافقت با فوریت ثانی قیام فرمائید. (اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده اول مطرح است. رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - البته از نقطه نظر موازنه و تعادل صادرات و واردات منطقی همه ماها همیشه این مطلب را تحت نظر و مذاقه خودمان داشته‌ایم که بالاخره کار تجارت

خارجی این سلطنت به کجا خواهد رسید و چه تکرری باید کرد بنده تذکر میدهم آقایان را که در دوره گذشته یکی در صورتی این قسمت را یعنی همین چیزی که الا آن مفاد لایحه دولت است بطور اظهار عقیده در همین جا پشت تریبون عرض کردم و صورت مجلس گواهی می‌دهد که عین بیانی که در مقدمه لایحه دولت است بنده عرض کردم و عقیده بنده همین بوده است و حالا این مقدمه را عرض کردم از باب اینکه تصور نشود بنده متخلف و کاملاً مطابق سلیقه و آرزو عقیده بنده است ولی چون اول انحصار تجارت خارجی یک لایحه بود غیر قابل الحاکمی دارد با آن لایحه متمم که توضیح و تفسیر را حاوی است لذا اگر یک نظرانی باشد در اطراف این ماده واحد شاید تقریباً ناظر بمواد آن قانون باشد و از این جهت من خودم را مجاز میدانم که در اطراف مواد اول لایحه متمم هم عرضی بکنم زیرا که خود این لایحه فی حقیقت در اطرافش حرفی نمی‌شود زد برای اینکه اساس مطلب مطابق عقیده است که انحصار واردات تجارت خارجی و بالاخره توازن صادرات و واردات بشود ولی چیزهایی که بنده میخواستیم بطور استعلام از دولت بپرسم و آقای وزیر محترم عدلیه با آقای کبکی وزارت اقتصاد ملی جواب بدهند بک چیزهایی است که بنده این جا یاد داشت کردم و عرض می‌کنم. از جمله چیزهایی که فوق‌العاده موجب نگرانی از اجرای این لایحه است و خیلی مبل دارم که بدنبندجه توضیحات دولت رفیع نگرانی ماها بشود این است که در تقسیم جواز مابین تجار داخلی مخصوصاً مرکز و ولایات از نقطه نظر سابق ذهنی که ما داریم میترسم که یک تبعیضاتی و خاصه خرجی‌های بشود که بالاخره متضنی عدالت و صلاح دولت نباشد زیرا که ملی معروف است که هر کس نزدیک به بخاری است دولت کرم می‌شود آنها را که در طهران هستند آنها را که به شترت و با دارند آنها را که سرما به بیشتر دارند ممکن است جهات متخلفه در اشخاص باشد که آنها را قدم بردارد بر سایرین و برای دیگران وسائلس موجود نماند که موفق به تحصیل جواز بشوند و مایچه‌ها و کلاهی و ولایات دچار اشکال شویم بکند می‌دم دلان برای خودمان باید

بشود (صبح است) مثلاً برای آقای افسر مرورده دفا تلگراف از خراسان برسد که جواز نمیدهند بنا فلان و کبکی فلان از فارس فلان و کبکی آذربایجان از آذربایجان وقتی هم که تبعیض شد در عمل جواب مردم را نمی‌شود داد یعنی وقتی که تبعیض شد بالاخره اعتراض کردند جواب حسابی نمی‌شود داد و اگر اعتراض جواب موکلین خودمان بپیچاید میشود و جوابی نداریم ولی البته در عمل یک ملازمه دارد باینکه استیضای ضعیفی و تبعیضاتی ولی این قضیه شیهه بسیار فتنای نیست مخصوصاً تجارت ممالک با دستنواخت اخیره زمامت مهادتس اخذ است بدست تجار خارجی جنیه صادرات ما هم که باصلاح خیلی مشغولیم که یک چیزهایی از سلطنت ما خارج شود و تشویق و ترغیب میکند که یک چیزهایی از سلطنت ما صادر شود اینها هم یک فتنه است بدست خارجی با فلان مؤسسه امریکایی پول از امریکا برداشته است آورده است عمده مفا ایرانی روزی ده شاهه سعیاستی قالی‌بافی میکند ملت قالی‌باف اختیار مان این است که قالی باقیم عمده چنانمان روزی ده شاهه سعیاستی بیشتر نیگیرند جهت اینکه اگر صرف میکرد در خود امریکا هم این کار را میکردند آنها می‌آیند. عرض می‌شود با صادرات ما را اینطور معلوم می‌کنند یعنی صادراتی که ما صادر میکنیم که نتیجه اش توی جیب ما ایرانیها می‌رود اغلب این طوره است که توی جیب خارجیها می‌رود فقط یک سوزند کمی خیب عمده حاجات میشود مخصوصاً در طهران مراکز مهمه و تقاضای خیلی بده اطلاع دارم می‌بیند که اغلب ممالک تجارت خارجی را خارجیها میکنند مفازه‌های مهم که در مراکز مهمه شهر های مالت باز عرض می‌شود متعلق است بتجار خارجی آنها جلور حتم اعلاعاتشان بیشتر است از تجار داخلی ما و وسائلسان بیشتر فراهم است و دولتهایشان بیشتر وسائل کمک با اعتبارشان دارند ممکن است که در این قسمت هم یک تبعیضاتی بشود یعنی یک نگرانیهای پیش آید که اینها جلور بیشترند از تجار داخلی ملاز حیت گرفتن جواز و چیزهای دیگر این یک قسمت بود که بنده میخواستم آقای وزیر عدلیه توضیحی بدهند که چگونه ممکن است این نگرانی را رفع کرد مردم رامسلح کردن که ۱۷ قتل

۱۲۶

دردودر جواز یک تبعه‌های دیگر و ولایات نسبت
 باخلی و خارجی نمود. موضوع دیگری که میخواست
 سؤال بکنم این است که چه‌لامتلاست بین اسامی خارجی
 و این قانون و بی چه‌لامتلاست دارد که با دست اسامی
 خارجی را به منظور اختراش را بدیم بدست دولت
 بدست کمیسیون نرخ چه‌لامتلاست است بین این قانون و
 اسامی خارجی با‌لاخره مقصد اکثری از مردم و تاجر و
 آن گسایکه ذقیق هستند مستقیم و غیرمستقیم عیان‌شدن
 براین شده است که این قانونیکه قبلاً گذرانیم در
 عمل دیده می‌شود که اینقدرها بدید نیست. اسامی خارجی
 را باید تاجر صادرکننده و واردکننده باختر دولت و
 کمیسیون اسامی بگذارند تا این ملازمه‌های هست التاجر
 دولت این قانون را بتصویب برساند مأمور تصویب کلی
 بودن آراهم تصویب کلی ولی نرخ آزاد باشد چه‌شوری
 منوجه خواهد شد چاشنگالی دارد وقیسکه باختر تاجران
 بیشتر متوجه به‌سادت صادر و واردشد وقتی که گذرد
 فرناً پنجاه میلیون بردهم و یک قیمتی درحدود همان
 قیمت ثابتی می‌گویی اسامی خارجی فرستد که
 داشته باشد تا برای آن نادره یعنی همان قدر که
 بدست می‌آورد اسامی بهمان اندازه ما بدیم هر قیمتی
 فرض کنید زیاد باشد بازده تومان باشد یعنی تومان باشد
 با‌لاخره اگر شما نوانشید و سالی نهی کنید که پوندر
 تحصیل کند بود درجواب آن چیزهایی که گمانا میکنند
 از خارجه همان پوندها را تحویل میدهند به‌قیمت بدست
 اسامی آزاد باشد احتیاجات مردم کمتر شود یعنی
 مثلاً ازاین محلی که بنده و کیشی هست مقر پادام را
 میفرستند می‌برند تاجر خارجی (البته تاجر داخلی‌ها که
 نمی‌برند) در‌هوا بود که آلمان می‌فرستند پوند تحصیل
 می‌کردند در‌مست صادرات آلمان نشان بیشتر است
 این وقت‌ها همه خود من بطور کلی این قسمند
 اظهار عقیده نسیمم برای اینکه اطلاعات ناقص است
 ولی آنچه ازتجرب و غیر بزرگ از خارج بشنوم این است
 که آزادی اسامی صرفه تاجر نشانی می‌شود. مطلب سوم
 این بود که دراین لایحه هم نشانی شده است که هر کس
 یک قیمت بین من بود که قرائن مامل دولتی رسال
 شده بده این قوم دشمنی را دردمن این لایحه تقهیدیم

مفای این چه‌بیز است برای اینکه مطابق زرخه کشما
 امروز من کرد باید قرائن عبارت است یک نودم پهلوی
 ثوری است که ما می‌خواهیم بعد وضع کنیم مطابق این
 زرخه که اینجا نوشته‌اند که مطابق دو خمس و دو‌املا
 یا زرخه هر رمال مگر یک پستم پهلوی با نبود باشد
 مطابق آن قانون و خوب آتوق دو خمس مناسب با آن
 یک نودم ندارد بده نماند این چیست از روی چیست
 چه الزامی دارد که دولت این بود که را من کند. چهارم
 سناکه که خواستم عرض کنم این بود که قانون که
 بگذرد اجناس خارجی آنچه موجود است بقیضی خیلی
 گزافی با لا خواهد رفت و هیچ چاره هم ندارد و شاید
 از همین امروز عصر پارقا شروع کند باینکه قبند
 با ایرتد خوب دولت چه‌مقدوری کرده است برای
 جلوگیری از تفاوت قیمتی که مخموری در این شعیب
 تحصیل می‌شود بردهم مالاکر یک وسالی ری‌دکم فرناً
 بجای دو ذرع پارچه که یک قیمت بین سیبست بخرم
 بده یک ذرع را همان قیمت بخرم این کار خوبی نیست
 اگر یک دو جوبانی فراهم بکند که یک جنس که فرناً
 پنج تومان قیمت‌ناشت شما آن پنج تومان را ازین بگیرد
 و هفت آرا بدهد این بصره اساسی ملت بنسود این
 قانون یک نتیجه‌اش این است که الا آن دراین مقاله‌ها
 و ابزارهای تاجر پروید مخصوصاً نماند خیر داشتند
 حسن زدن جنی در کار بوده است غیب‌گویی در کار
 بود است پنج شش روز قبل شنیدیم بده‌مقدار زیادی
 مال‌التجاره از دروازه‌های شمالی وارد شده است این
 تهیه بکسال دوسال دیگر را دیدند و اینها قیمت یک
 های گزافی خواهند فروخت ولی نماند دولت چه
 پیش بینی نموده است چه بطور می‌تواند جلوگیری کند
 و نسبتاً یک چیز دیگر در این قانون پیش بینی شده است
 قیمت عاذه فروش برود یعنی دولت مراعات باشد این
 بده نماند دولت چه‌طور عملی میکند و وزارت اقتصاد ملی
 چطور این را عملی میکند یعنی هر نوب نوب پارچه‌ها
 را در بدب دکان پزای می‌گیرد پس میکند ذرع ذرع
 تقشش میکند مقشش می‌کنند سر آن آدم این که عملی
 نیست بنظر منده خیلی مشکلات گشتن و نوشتن و
 وجود قرضاتی سهل است. دیگر از چیزهایی که می‌خواهم

عرض کنم اینست که در این سانگینی که برایش مین
 کرده‌اند متوجه‌اش کرده‌اند با قانون مجازات قاچاقچیان
 چه‌زایی نزدیک ملتی بی‌ایست معلوم است و افکار مانوس
 با آن عرض می‌شود یک مجازات‌های سخت برایشان وضع
 بکنم خیلی خواست است که نقرتان باشد دوستی که
 قانون مجازات را وضع می‌کردیم صحبت می‌کردیم که
 خیانت دانات مجازات دارد بانه مراجعه کردیم به کسب
 قهوی و قرائن خودمان دیدیم مجازات ندارد خیانت در
 امانت فقط کمیستیم که علی‌الامین الامین با‌لاخره
 مذاکراتی کردیم بعضی فتهاد نگفتند ممکن است از
 نقطه نظر حاکم شرعی خائن و تعرض کرد ما همین
 را چه‌دیدیم و در قانون مجازات برای خائن مین کردیم
 ولی این مجازات با مجازات سرفت فرق دارد برای
 اینکه در یک ملکگی که خیانت دواتان است با مجازات
 ندانند فرق دارد و بی‌ایگی که دانسته نمی‌فلا می‌دانند
 که هر کس سرفت کند دستش را می‌برند و عرض می
 شود اجناس صادر و وارد با مجازات‌هایی که برای این
 قیل چیزها مین می‌کنم تناسی داده بود برای اینکه
 چیز تازه است فلا ناجر در فلا ن و لایه تخلف کرد
 که مال‌التجاره‌اش را ازین بیکند آتوق چند برابر جریمه
 شود این احصاف نیست ولی خواهش می‌کنم از آقایان
 انضاء کمیسیون وزارت اقتصاد ملی که یک مجازات خیلی
 ملازم و مناسب با این وضعیت مین کنند. یکی دیگر از
 مسائل که می‌خواستم ذکر بدهم و عرض آخر من است
 است این است که در این لایحه پیش بینی شده است
 که یک هفته به‌تاجر مهلت داده می‌شود که اگر یک
 دستور قلی داده‌اند آنها ملاف باشند از نقیب دولت
 از کنترل ولی انحصار و اگر گذشت مشمول این قسمت
 باشد اگر بنده که نخر تا جرم تقیم طهران هست دستور
 داده باشم از شانگهای جای وارد بکنم اگر در مرکز
 فرناً نایک هفته بمن مجال بدهند که در طهران وزارت
 ماله و اگر در طهران به‌بالیه اطلاع بدهم که اده‌لستان
 بدهم اده چیست و دستوری که دادام عبارت از اینکه
 نوشته شده باشد که برای ما شای من خریدم و فاکتور
 بنویسد با‌لاخره یک اده اقامه کنم نشان بدهم که شما
 را متقاعد بکنم که من هیچ‌چیز دستوری داده‌ام و یک

اقدامی شده‌است صرف دستور من را هم که قبلاً نخواهد
 کرد یک اشکال زیادی برای تاجر فراهم خواهد کرد
 پس ترتیبی در این قانون باید قائل شد که اگر هر تاجری
 مدد کرد که قبلاً دستور داده و جنس را پیش خرید
 شده است در بدست منی او را ملاف بداند. بدست دلائل
 جا مدخلت نداشته باشد همین قدر یک اده اقامه کند
 که او قبل از این قانون دستور داده است و لو اینکه
 اجرای این دستور او از طرف آن کسیکه نمایندگی‌های
 او است با تأخیر اقامه است همان کافی باشد در اینکه مدت
 برایش قرار بدهیم باینکه ماه یا دو ماه عرایش بدهد همین بود
شکرت و وزارت اقتصاد ملی - با‌لاخره آقای یاسانی نمایند
 محترم عرض می‌کنند فرناً قلابان فرمودند و بعد فرمودند
 یک نواصی ممکن است در عمل ایجاد شود و بی‌ایگی که فرمودند
 مربوط بهمان لایحه منتم است ولی فلامان ماده واحده
 مطرح است و لایحه منتم دو شوری است و بعد مطرح
 خواهد شد و همین جهت البته ممکن است که لایحه دوم
 در مقام خودش یک نواصی دانته باشد و همین جهت
 بوده است که دولت آن را دو شوری خواست است بگذرد
 نادرست حلاجی بشود تا نظریاتی که هست بهم‌بیز نواصی‌ها
 هست مرتفع کنی پس خیال می‌کنم که جای این مباحثه
 و گفتگو در آن لایحه است اگر بخواهیم که تمام مواد
 و منتم را در اینجا بحث کنیم بنده گمان می‌کنم که
 در یک جلسه بگذرد و شاید هم سفر باشد ولی بطور کلی
 چون آقای یاسانی مسکلاتی را بیان کرده بنده هم قبلاً
 به‌ایهائی عرض کنم ولی قطع و فصل این مطلب موکول
 است بهمان لایحه - یکی مسئله در مورد جواز بود که فرمودند
 است این جواز چه‌طور داده میشود و آیا ممکن است بعضی
 شود یا خیر؟ این البته درش تردید نیست اینکار خیلی
 مشکل و دقیق و خیلی بر مسئولیت و عاقل‌نشم هم خیلی وخیم
 است و هیچ تردیدی ندارد ولی حالا به بنیتم ناچه درجه
 این مطلب ممکن است پیش بیاید؟ بنده خیال می‌کنم
 این قدرها که صورت می‌نماید پیش بیاید نباید در مرحله
 اول باشد البته دردهان لوقی که بخوانند این قانون را
 اجرا کنند و یک اجازه نامه عالی تقسیم بکنند این

بهره و با صفت قیمت هر سید آفرین بوداها بیاداد
 که نیاید. چه بشود پس بی خود که غن مجیکه ضرر
 مجیکه برنی بپیکد تزل بیکد آنها چه حرفهای است
 آلاکه با بدبویس بزیم. مرض این است که این
 اموال که در مکرک هست البته وزیر مجیکه بماند که
 قانون حق داده بود و آنها و آنها هم اموالی وارد کرده اند
 موج قانونی هم نمی تواند از آنها جلو گیری کند این
 بیزله باب مالکیت است اول ملک این حیوان است. عرض
 دیگری که باید بکنم و امیدوارم بدین توضیحی که
 مردم را بر سرته الطهیبان و ابتداء وارد میکند و آنگاه
 است که این قانون ایجاد نمی کند که اموال را بطور
 سببها بی اختیار میجوید یا بفاراد همین بدین دست
 دیگران داد کوه کند امیدوارم که این قانون و همین
 خودش باقی بماند و اینها ضرر زنگی و زیگ که سو
 استفاده از این قانون نکنند. این عرض شد است یک
 عرض دیگر هم دارم و آنگاه است که خارجی ها امروزه
 دیو تجارت شان واقعا شخص شدم اند عالمه با نکرند
 با فوه و قدرتند با سرمایه با فزونی و منند منکر است
 که از تجارتی که من الا آن نمی توانم بیان کنم یعنی
 پیش از آنچه بطوم است نمی توانم که با هم بکنم
 نمی فهم یکی تجارت این ملک را در دست بگیرند شما
 باید بد نظر داشته باشید و رعایت بکنید مردمان را
 وادار بکار بکنید حتی امکان. یک تنه دیگر ارام باید
 عرض کنم که آخر این تاجر تاجر که میگوید این
 سنت تجارت روز روز قل و انتقال پیدا میکند. امروزه
 من ناچارم از این مردم بی حالی می آید تا جری می شود
 او می رود یک باغی میزند و آید حاجی میزند اما افراد میروند
 باید نوعی تربیت کرد که مایوس نشوند یعنی مسئله
 اقتصادی و اختصاصی و سدبکا و این جور بازیها بکنی
 بیانی بدرک باشد.

اگر - اینها بازی نیست اینها وسوسه عهودی است
 ولیر علیه - بنده خیلی خوشوقت هستم از اینکه
 نمایندگی محرم هم باصراحت و هم با کرمی و حرارت یک
 اعتراضاتی را که بنظرشان میرسد یا تذکراتی که لازم

میباشد. امروزه و خاطر امدان کردید بی خوشوقت
 برای اینکه هم مطلب یک قدری در ضمن بحث راجع
 همین ماده واحد اصلا توضیح و بهر حلای بیفود
 دم خور خارج بیشتر مردم متوجه دلایل کار بشوند البته
 اکثریت قریب باقی آقایان حاضر در این ماه واحد
 که امروز در اینجا میگذرد نشسته اند در فراکسیون و
 صحبت کرده اند ولی مردم خبر ندارند می بینند یک ماه
 واحد نباید اینجا در مجلس در موضوعی که قوی الباطن
 از برای حیات اقتصادی ملیت و افراد اهمیت دارد
 در فاصله چند دقیقه بدون اینکه درستی موضوع بیفود
 میگذرد البته این خوب هم بود آقایان در فراکسیون
 صحبت ها کردند بحث هایشان را کرده اند و جوابهای م
 داده شده است ولیکن این را در خارج کسی خبر ندارد
 باین مناسبت بنده خیلی خوشوقت شدم و معتقد شدم
 این تذکراتی را که ایشان راجع باین لایحه و اصل این
 فکر کردند برای اینکه بتوانم دلائلی که دولت از برای
 پیشنهادی که داده است داشته و دارد عرض کنم
 حتم است برای آقایان مطلب تازه نیست دلالتی که بنده
 عرض میکنم جزا کبیر هم گفته شده و اغلب آقایان
 خودشان اساسا متوجه آن دلایل بودند و میدانستند
 ولیکن از برای مردمی که در خارج هستند و مذاکرات
 مجلس را میشوند و ماده واحد را در ضمن سه سفر
 میخوانند و می بینند مجلس در ظرف چند دقیقه آرا
 رأی داده و تصویب کرد باید در مطلب بحث کرد آ
 آنها هم بدانند برای چه دولت این کار را کرده و برای
 چه این نظر را دنبال می کند : بنده عزم فرمودم
 که اساسا به پیشم دولت برای چه بیخالی اعتماد تجاران
 و آورند این لایحه و منم آن اقدام است و بنده هم
 در جواب این سؤال ایشان عرضی میکنم : از چند
 باین طرف آقایان خوب این مسئله را حس کرده اند
 که یک حالت ناراحتی یک حالتی که شاید نام
 افراد هم متوجه بدلائلش بوده اند و غایب هم حسود
 باشند در مردم پیدا شده است از قضا نظر اوضاع اقتصاد

های حسود پیدا شده است. در این مورد این مسئله هم
 احساس هم بدانند چرا و برای چه این تربیت نامطلوب
 پیش آمده است و اسامی خارجی هم تشریحی که آقایان
 خبر دارند ترفی کرد. در قدامول دولت خواست بوسه
 قانون اسامی جلو گیری از اوضاع نامطلوب اسامی بکنند
 و سی داشته پیش از این مداخله در امور تجاری اقتصادی
 ابراج نکرده بودند بلکه بوسیله همان قانون اسامی بدلی
 در کار بودند قانون اسامی هم لا درجه و بیش از آنچه که
 ممکن است خیلی از اشخاص تصور میکنند مفید اضافی
 افتاده لکن کافی نیست صرف نظر از قانچاق و طرفی که پیدا
 کردند از برای فرار از قانون اسامی بالاخره دولت دید لازم
 است که باین مسئله یک توجه خاصی بکند و این لایحه
 را تقدیم کرده در اینجا کلی موضوع را باید توضیح داد
 وقتی که ما صحبت اسامی را می کنیم باید به بیسی
 مقهور دمان صحبت قیمت اسامی خارجی عبارت است از :
 قیمت برواتی که از ممالک خارجه به سرا ما داده و مابایستی
 بیروا زیم. در هر مملکتی وقتی نباشد که یک مبلغ زیادی
 برات از خارجه بفرستند سرش که پول بدهد در مقابل
 هم خودش به اندازه کافی برات بسر خارجه بدهد قیمت
 بروات خارجه بالا می رود بیچاره آخری وقتیکه خلکت
 طلبی که بواسطه صادرات از خارجه دارد کمتر از فرضی
 است که بوساطه واردات پیدا میکند اسامی خارجی را
 باید با قیمت بیشتری تحصیل کند این پیش آمد - این
 ترفی اسامی خارجی ضروری است - حتمی است - غیر از
 این طبیعی خواهد بود کسبیکه فرض بفرمایید ده هزار
 لیره یا ده هزار مارک مقروض است و می بیند بران در
 جاهائی که پیدا میشود یعنی معمولا در بانک ها و
 سرافقانه ها که است مشتری زیاد دارد و بآن قیمتی که
 در روز پیش میداد بخردیاری نمی فرستند. ناچار حاضر
 خواهد شد از برای حفظ اعتبار خودش و برای اینکه
 قرض خودش را در موعود بپردازد همان قیمت بالا را بدهد
 و بر این بخت بیسارود من میجوید عیبت برای روشن

و در آذربایجان و سایر بلاد حال عادی قیمت اعتباری معقول کرده
 پس از قیمت بقری است است در این جا مثالی عرض می
 کنم که اغلب شندام و چون مبلغ را روشن نمیکند
 عرض میکنم فرق بین جواهر بلی و اصل مخصوصاً در
 وقت گرو گذاشتن معلوم میشود پولی هم که جنس
 فلز آن نازل کرد نماند داخله است محکم می ماند ولی
 وقتی که خواست فروش آن طرف سرحد آتوق آن
 تأثیر نازل پیدا و محسوس پستی معلوم می شود قیمت
 اصلی را ندارد و به قیمت جنس میخردند نه به قیمت اعتباری
 آن والا پولی هم قریه نواقصی که در بازار داخلی میگرد هر
 قدر قیمت قریه می خواهد در بازار دنیا نازل کرد قیمت
 اعتباری این سرچای خود را باقی می ماند و در تمام فرض
 می شود و همینطور معین شده است که در عالم ملکیتی
 پولش کاذب باشد و پشترش هم هیچ طلائی نگذارد
 بر این پول اعتبار خودش هم باقی باشد یک قیمت اعتباری
 داشته باشد با اصطلاح قدیمی های خودمان روی جرم
 سکه زیند اما وقتی که همین پول خواست آن طرف
 برود آنجا دیگر قیمت اعتباری که در داخله داشت
 ندارد آنجا قیمت جنس خرید و فروش میشود پس
 نازل قریه در وقتی تأثیر در پولها از قیمت نظر اسرار یک
 که پولها لازم میشود برود آن طرف سرحد خود حالا
 و قیمت در جوی خود برود آن طرف سرحد آتوقی که
 شما قدر کافی پند و پیله و برنج و انبال ذالک نشانند
 که بر شنبه بخارج تاجواب واردات خودتان را با این
 اجناس بدهید فرناً وارد میکنید نمود و یک میلیون
 تومان و صادر کردید ۸۵ میلیون باید این کرد را جبران
 کنید و آن روزی که شما مجبور بود پنج میلیون تومان
 فران را در بر دارید و بر شنبه بخارج چون این فران آن
 طرف سرحد که مرود باطلیه بصورت یک مالالتجاره
 در می آید البته اگر این مالالتجاره ارزان شده باشد و
 بخارج قیمت خیلی کم خواهد خرید از شما و تقریبی
 در قیمت اعتباری شما خواهد شد پس تأثیر نازل در وقتی
 است که تبادل مناسب تجاری با خارجیه هم نخورده باشد
 اگر بین بر ساختن مالی که بملکت خارج باید بشود و
 مبالغی که از خارج باید وصول کرد تبادل باشد قیمت قریه
 نترزد در اسرار ابداً اثری نخواهد داشت. اما آن جایی

که شما باید بگویند من از اذیت و اذیتانی که کرده ام
 پستی ۹۰ میلیون پول بدم اذیت ۱۰ میلیون ۸۰
 میلیون در جنس فرستادم یا بلان وسائل دیگر توانستم
 بردارم و ده میلیون دیگر را مالالتجاره قریه بشکل
 پول میخواست بر شنبه آتوق ده میلیون پول قریه شما در
 بازار کساد قریه بده میلیون مشتری پیدا نمیکند و آن
 وقت مشتری باید آترا بر شنبه و مقصود بنده این است
 که این مسئله تأثیر نازل قریه بر می کرد باید اینکه تبادل
 بین برداشتی ها و طلب مالی که دارد این ازین رفته و بهم
 خورده باشد بنده نمی گویم تبادل بین صادرات و
 واردات و کمر گری مان اشتباه نمود برای اینکه بدو ملکیتی
 صادرات و واردات تمام عبارت از این نیست که از
 کمر کاغذ بشکل مالالتجاره وارد و صادر بشود ملکیت
 ما امروز یک صادراتی دارد که در امحاله کمرک
 نیست مثلاً عایداتی که از کبانی یا قند جاتی میگیریم یا
 منافع ذخیره ملکیتی و همینطور وارداتی که هیچ در
 امحاله های ملکیتی نمی بینیم مثلاً منساجی که برای
 محصلین و مأمورین خودمان که در خارج هستند می
 فرستیم. جبارت دیگر وقتی صادرات و واردات بگویم
 به معنی عام است یعنی تمام آنچه باید بریزد و تمام آنچه
 از خارجیه وصول میکنیم. حالا با وصولی می خواهد شد
 راه صدور مالالتجاره باشد یا جهت اینکه پول که
 خارجی داشته باشند و منتقم به باشد با هم ببریم از یک
 کبانی. باری برگردیم به مطلب نرخ اسرار و عدم
 تبادل آن روزی که ما بدیدیم در یک ملکیتی مسئله نرخ
 بروات از آن حد عالی که داشت منحرف شد و یک
 نرخ دیگری وارد کرد و بالا رفت و تری کرد آن روز
 قیمت اینها و در هیچ حساب دیگری بشویم آن روز
 باید قطع کنیم که تبادل بین صادرات و واردات به معنی
 اصم بهم خورده است حالا یک وقت هست که این تبادل
 یک میزان کمی بهم می خورد و موقتی است برای یک
 مدت دوام و سهام است که می بیند بروات قدری تری
 میکند و گران میشود مثلاً یک قران بالا می رود و باز
 به حال اول و عادی بر میگردد ولی یک وقت هست که
 عدم توازن فوق العاده بهم نخورده در این صورت قیمت
 اسرار هم فوق العاده بالا می رود همان طوری که دیدیم

لریه که ۸۸ قران بود پراش پراش آمد و ۵۰ قران
 شد و در فاصله چند هفته همان وقتی که قانون اسرار با
 می گذاریم آمد و رسید به هفت تومان و پراش پس
 حالا که تری نرخ اسرار میزان تبادل است باید باقیم
 شریجه اساس آن بشویم حالا که این میزان معامله بها
 نشان داده که ما تبادل نباید باید فکر کنیم و به نسبتها
 یکی این وضعیت خوب است ادامه پیدا کند البته یک
 حرف را در میان جا میشود زد و این حرف را مگر بنده
 بگویم خود شنیدام که میگویند یک معنی صحیح هم
 هست - میگویند اگر بگذارید به حال طبیعی خودش
 جنس آزاد باشد و آزاد برود مسلماً اجناسی که وارد
 میشود بواسطه همین عدم تبادل و گران شدن اسرار خیلی
 گران خواهد شد وقتی که خیلی گران شد مسلم مردم هم
 کمتر خواهند خرید (کارزونی - صحیح است) و در ضمن
 مبادات ما هم گرانتر میشود و صادر کردن جنس زیاد
 میشود بیکند و این قریب واردات کم و صادرات زیاد و
 تبادل از دست رفته بطور طبیعی خود به خود بر میگردد
 پس تجارت را به حال خود بگذارید تا به حکم طبیعت و
 به خودی خود تبادل پیدا شود

الف - چندین بیان این طور کرد و نند
مجلس عدلیه - است مسئله اینده بنده گفتنش
 و استدلال کردن و حرف زدن در آن مجلس و آسایر
 است تا اینکه یک کسی بیاید و بطور اطمینان در این جا
 بگوید « باید این کار را بکنیم و اصلاح کار را به
 طبیعت و بگذاریم - چرا ؟ برای اینکه خیرات آن
 طرفش خیلی زیاد است فرض کنید یک خانواده عایداتی
 از مدافعی دارد بدو مقابل یک محتاجی را هم از برای
 خودش مینماید - یک - جنسی را که برای او احتیاجات
 شان می خرد خیلی گران شده است عایدات هم از
 آن طرف کم کسر شده اگر همینطور زندگی خود را مثل
 سابق این خانواده ادامه بدهد و بگوید یک روزی دست
 می شود بر غلط نکتته زبیرا بالاخره یک روزی می شود
 سکه خرج و دخلش و مساعده خواهد کرد - یعنی
 فکر با کسر عایدات مثلاً انومیل نخواهد داشت
 اما روز چه طور ؟ سال اول مخارج انومیلش را ۱۲

عایداتش دیگر نمی تواند بدهد ملکن را کر و میگذارد
 سال دیگر هم بواسطه کر و گذاشتن خانه امور شریکدار
 میشود و فرسهای خانه را ببلد و نازغوب میکند و سال
 سوم بدون عمل قرمز میکند (محتسب - صحیح است) سال
 چهارم آقا را بدین بدهد که بکنند به عنوان اینکه کسی است که
 توانسته است بدین خودش را بدهد و فرض خودش را بپردازد
 البته آرزوی دیگر بیش از دخل خرج کردن نمیشود و
 تبادل باطلیه حاصل شده در امور اقتصادی مملکت هم
 همینطور است بگویی خواهد شد که از روی ناچاری
 آقا و بنده دیگر نمی توانیم یک اجناسی را که ضرورت
 ندارد استعمال کنیم. اما کسی که آتوقی که شما هر زحمت
 را که لازم بوده است برای زندگی تان منتهل شده اید
 و تجارت برده اید و بفلاکت افتاده اید. پس بقیه بنده
 ببقیده حبش دولت مانیاستی که بیش از آن چه که تا بحال
 روی همین فکر ها قائل به سیر شده اید سیر کنیم ما
 مدتها سیر کردیم شاید خود افراد خود مردم بخیرال
 این بیفتند که یک چیزی که گران است نخرد و از این طریق
 واردات کم بشود. شد نه. در جلسه قبیل بود که در همین جا
 یکی از آقایان محترم تذکری دادند راجع باجناسی
 گران قیمت آن ها یکی از آقایان دیگر همین امروز
 در همین مسئله اظهاراتی کردند اما بطور اطمینان و واقعاً
 شما بنده و دیگران نمیتوانیم بگوئیم این قدر غلط فکر
 در کلهر مردم هست که این اجناسی را که آن روزی فوق العاده
 کرده است قیمت دادند نه با این وقتیکه دولت بگرم
 میکند همینطور هم آقایان باین که می بینند سر و کمر
 یا مرعی است که دل زبیا دارند و کبسه خالی آن وقت
 لازم است دولت بیاید و کفکدار هوس مردم تحریک
 بشود و چیزهایی را که ضروری نیست کم وارد کند یا
 هیچ از خارجیه نخرد دولت آمد و از روی این حساب
 برای اینکه دید واقفاً و راستی ما امروز داریم زندگانی
 به الوصافه میکنیم و یک ملت عاقلی حق ندارد و ندگانی
 به الوصافه بکند این لاجب و آورد نواقصی از روی حساب

کنترول ملواری شده انقدر عایدات داریم و این قدر در سال طلب کار میشود آنوقت احتیاجات خودمان را نگاه کنیم یک چیزهایی را می بینیم طرف احتیاج عامه است و اگر بنا باشد اینها باشد عامه اکثریت قریب باقاع مردم در زحمت می افتند آن اجناس را میگذاریم در درجه اول و اجازه میدهیم که از خارج بیآورند. یک چیزهایی را که شما می بینید از برای برقی مردم از برای حفاظت عامه مردم می آید یک واحدی است که برای از تقبیل دوا می مردم است از برای اینکه اشک اشخاص ناخوش شده علاج بشود مثلاً از برای آبله کوبی و امثال اینها است از برای بیط منافع است البته اینها را اجازه میدهید همینطور می بینید که یک چیزهایی می آید از برای برقی مملکت است باین معنی که برای ساختن راه آهن است از برای حفظ و دفاع و بقای جامعه می آید وسائلی است که جامعه لازم دارد از برای دفاع خودش اینها را میگذارید در ردیف اول و آنوقت می بینید که از عایدات چقدر مانده هر چه مانده می توانید جنس های دیگر بخرید چون این اطمینان نیست که اشخاص این حساب را درست بکنند دولت میگوید من حساب میکنم و آن جنس هایی که در درجه پنجم است من آنها را از برایتان وارد میکنم و این قسمت را من مخصوص خودم میکنم برای اینکه ممکن است افراد در این زمینه نفع خودشان را بر نفع مملکت ترجیح بدهند البته هر روزی که دولت دید که ما دیگر در تحت فشار اقتصادی نیستیم و در مرتبه میخواستیم برگردیم و اشیاء کم فایده بخریم (میگوید بیفایده بلکه نفعی اشیا اینکه میشود از شرف نظر کرده) و عایدات ما هم اجازه میدهد آنوقت خواهد گفت بسیار خوب چه ضرری دارد شما هیچوقت فکر نکنید که دولت میخواهد از این ملت و این مردم یک ملت چوکی بسازد. بنده خودم یک نفر از اشخاص هستم که عقیده دارم باید یک ملت به اندازگی که از برایش ممکن است سعی کند و عایدات زیاد پیدا کند و بد مصرف زیاد هم بکند اشیاء تجملی هم

زاد داشته باشد در اطمینان هم نابلو های خیلی فتنه انگیز البته نباید کمال مطلوب و باسماح معمول بنگار ما باشد که مثل بیوه زن و یرمه زن باشیم یعنی تمام سعی خودمان را صرف این بکنیم که از تمام مخارج آن بکاهیم بوزن و بسازیم. خیر بنده این را نمی گویم ولیکن میگویم امروز و تا وقتی که توانیم صادرات خودمان را زیاد کنیم تا وقتی که بتوانید بازار را برای اشخاص موجود خودتان پیدا کنید تا آنوقت بهتر این است فقط چیز هایی بخریم که از برای بقا و ترقی و مساعدت مردم مملکت و برقراری و رفاه عامه لازم است یعنی نباید انو هیل تجملی خریدولی کامیون باید آورد برای اینکه حمل و نقل ما کم کند از برای انو هیل تجملی بگذردی سر کیه و باید بنشیند از برای خریدن قطری خودمان را باید بگیریم و بالاخره خود داری بکنیم از خریدن اشخاصی که ممکن است از آن صرف نظر کرد و یا در اینجا تهیه ممکن است بشود و دارم تهیه میشود منتهمی بواسطه این اشخاصی که خارج میآید نمیتواند سر بلند کند آن اشخاصی که این اجناس را در داخله تهیه میکنند نمیتواند بفروش برساند و اجناس داخلی از بین می رود این قبیل اجناس را ما باید بخریم من که حق انحصار دارم منکته آنها خریدار هستم حق دارم که بگویم آقا این جنس را نمیخواهم و آن جنس را میخواهم دولت نمیتواند بگذارد بواسطه ناوهروسی (البته یک افراد معینی مقصود نیست همه مان بوالهوسیم) یک چیزهایی بخریم که ضروری نیست و باعث این میشود که بر آن خارجه کران بشود اسماح خارجی بالا برود و آنوقت تاثیر کند در زندگی مردم تا آنکه در قیمت اشیا که عمل استیاج است. این خلاصه از مضمول دلیل و فلسفه این لایحه است که ما از روی ناچاری آورده ایم. بله از روی ناچاری بهترین شاهد این است که دولت اولاً بفکر افتاد که شاید بوسیله قانون اسماح خارجی بتواند این مقصود خودش را تأمین بکند ولی وقتی دید آن قانون با وجود قوانینی که داشت و اگر بعضی ها بخواهند منکر شوند می اصافی کرده اند کافی بود بخیال انحصار افتاد خود

این لامل دولت نشان میدهد که از ابتداء بخیال انحصار بود و درخواست به این کار دست نبرد خلاصه این کلیات دلالتی بود که ما داشتیم عدم مامل اساس علت چون آن لایحه نمیتوانیم در فاصله سه ماهه صادرات خودمان را طوری کنیم که برسد واردات مان طریقی را که این لایحه اجازه میدهد و پیش گرفتن (بنده آن آن رقم در جاوم نیست ولیکن آنچه خاطر می آید در سال گذشته بود و خورده میلویت واردات کردیم. امری که در هفت و چهل هفت میلیون تقریباً صادرات کسمرکی که قسمتی از تفاوت بین صادرات و واردات کسمرکی از راه ای دیگر جریان داشته ولی در حدود بیست میلیون و ششصد هفتاد و شش هزار و هشتاد و هفت بود که بازار باین صورت در آمد) در تذکرات ما بنده عزم یسکی دو نکته بود که به اجال جواب میدهم و در میوشم فرمودند که ما هیچ بحرانی نداشتیم و ما چون مواد اولیه داریم و مواد اولیه هم همیشه خریدار داشته و دارد اگر خودمان بحران ایجاد نکنیم جای نگرانی نیست اما اینکه بحران نداشتیم بسته است باین که بحران را چگونه بگیریم. اگر بحران را بحران اسماحی بگیریم بنده کاملاً با آقایان عقیده هستم بحران اسماحی تا بسکات و خورد و پوشش از این نبوده ولی اگر بخواهند بگویند بحران اقتصادی نیست از این بنده عرض نمیکنم که قدری صاف لفظی کرده بحران اقتصادی ایران از حال شروع شده بحران اقتصادی ایران را اگر بخواهید ریشه اش را بگیرد تقریباً از سی و پنج و شش سال پیش از این در ایران شروع شده است از آن موقعی شروع شد که تعادل بین مصرف و تولید در ایران بهم خورد آقا این را شما فراموش نفرمائید که من و شما هنوز عادت داریم که مطابق طرز وسیلهٔ اجداد مرحوم چندین هزار سال پیش از این خودمان جنس تهیه کنیم با دست و با وسائل قدیم و اطلاعات نفس و بعد میخواهیم مصرف کنیم جنسی را که با ما این تهیه میشود و بوسائل علمی. آقا شما قیمت کار

را بگیرد همیشه و حساب کنید حد وسط قیمت کار بکده عادی را به بینید. آن را از روی چه ببیند و بگوید کرد؟ از روی میزان جنسی که تهیه میکند وقتی که یک ایرانی دوازده ساعت کار میکند به بیند چقدر محصول می آورد دوازده ساعت عملاً عادی خودمان را میزان بگیرد و بعد حساب کنید با ما اینی که در خارجه کار میکند چقدر محصول در دوازده ساعت به عمل می آورد حالا باید این دو جنس را باهم مبادله کنند یعنی محصول دست را با محصول ما این مبادله غالب ندارد پس زندگی شما از آن روز شروع به بحران کرد که تعادل بین تولید و مصرف شما بهم خورد یک کس وقتی که سعی میکرد فوراً که نمیرسد. تصور میفرمائید امروز که آدم مریض میشود فرهاد الرحمن برایش میخوانند اینطور که نیست از نرم پوشی پوشی مرض داخل میشود و ممکن است ده سال طول بکشد تا ششش بهبودی کارش خراب و مزاجش علیه شد که شروع کردید جنس بیابورید از خارج و تو استید همان قدر هم جنس با همان سائل زیاد بمثل بیابورید و زیاد بفروشید از آن روز گرفتار بحران شدید شما که می آید مثل مردم قرن امروز مصرف میکنند و مثل مردم دو هزار سال قبل جنس تولید میکنند چطور میشود تعادل بهم نخورد؛ البته چندین سال به اصلاح کلاه کلاه کردیم و بقول خودمان عراد را گردانیم ولی البته ناشناختنایید سعی کنید که یک تناسبی بین طرز تولید و مصرف شما پیدا شود البته آن بحران هست و هر قدر هم طول بکشد بیشتر و قوی تر خواهد شد و اثرش هم بیشتر است پس بحران اقتصادی ما گفته است و تازه نیست نیست ببلاده آقا فراموش نفرمائید مملکت شما تنها در بحران نیست دنیا امروز در بحران اقتصادی است مگر آقا باین نمیخوانند در جراید مگر نمی شنوند که صد ها بانک در ممالک پر ثروت خارج ورشکست شده اند و بر عدهٔ بیگزاران هر روزه افزوده میشود؟ آقا، مواد اولیه. صرف اینکه من مواد اولیه دارم که کافی نیست راه میخواهد که این مواد اولیه را در بازار با هزینه

یکی از بواب اولیه آهن است بازار اروشتر که ۱۰
 یک قیوت زیادی از متاع فروت شما بزرگی ببرد
 و بخورد که بویاک قیمت معنی وارد بازار شود و الا بیج
 بی ارزش. این را ما باید با هم داشته باشیم بیج
 اشتباه کنیم شرح ایزان حمل و نقل امروز بدو چاک
 لازم است تا همین بقده همین واسطه حقوق از جنس
 شما املا نمیتواند بازار خارجه برود که بیج کاه
 می شود که در یک قسمت از دولت شما صرف نمیکند
 و چون جنرا از خارج می آورند پس باز بیجکرم صرف
 اینکه ما چکار اولیه داریم کاهنی نیست مگر از برای
 خوش کندک البته اگر از برای جلوگیری از کرم است این
 صرف حال است و اضافه میشود کرد که مادی این
 متاع طبیعی فروت خوبید ام و غلبه مزیل ما...
 بقای کرده از کرسکی بپیریم اما در قسمتی که فرمودند
 قانون را باید خوب اجرا کرد در این البته با اتمام
 یعنی غیر از این چه میکنند اگر میکنند موافق نیست
 مسلم است قانون را باید خوب اجرا کرد خصوصاً در
 اجرای این قانون خیلی باید دقت کرد چون قانون و کار
 تازه است که تجربه در آن نداریم چیزی که میتوانیم با ق
 اطهتشان و قول بدیم این است که دولت در در درجه
 اول مسئول مستقیم اجرای این قانون آقای کفیل اقتصاد
 هم میخواهیم با حسن نیت این کار را بکنیم
 اما راجع به مسئله اجناسی که وارد کرده شده این
 موضوع که چکار از آن است که بنده در ضمن ماد و ماده جنس
 را بکنیم بجهت این که این موضوعات در ضمن آن مواد هم باید
 بیج شود خودشان خوب میدادند که آوردن ماد و واحد برای
 چیست؟ آن مواد جنسی که مربوط بانحصار است آن را
 قید آورد در مجلس و سرعت گذراند آقایان هم باید
 بحث و مشاوره کنند مقصود دولت هم این بود است
 و این است که علاوه بر آقایان نمایندگان محرم هر کسی
 از هر طبقه یک نفر خوسی دارد در ضمن این دولت که
 ما مسئول شویم این قانون چیست در مجلس آرا بدیم

مجلس را بکنیم بیرون بیاوریم و اگر یک چیزهای بیج
 بود البته ما و آقایان آسما را در نظر خواهیم گرفت
 ولی چون برای خود کامل وقت زیادی لازم است و بیج
 قهقهه بلول میکنند باین نسبت بازار شدید این ماد
 واحد را بیاوریم که یک اشخاصی هم باین خیال میکنند
 تا قانون انحصار نگذشته و در آن خود بفرود آید یک
 اجناسی زیادی از خارج سلفری هستند و بیاوریم باین
 دلیل ماد واحد را آوردیم حالا وقتی که آقایان بگویند
 برای دادند در اجیل قانون انحصار و جزایات بام
 می گفتیم بیج میکنند و البته هر قسمتی که باید باشد
 عمل خواهد شد. اما اینکه فرمودید جزء اصلی کار
 تجارت ما نیست تجار خارجی افتاده - اول این را
 بگویم حیکه ما از نقطه نظر سیاسی و نظر کلی
 با کسی بیض و نظریدی نداریم اگر وقتی نمدیانی نسبت بنا
 بیجا میشد البته یک بیضی و یک دایره شالی بود ولی
 امروز برده الله و رئیس و بیضی در کار نیست شدنی هم
 با کسی نداریم اما از طرف دیگر همانطور که خارجها
 در محکمت خودشان سعی میکنند که متاع خودشان را در
 حفظ کنند این جا هم مسلم دولت متاع تجاری را در
 نظر خواهد گرفت و این طبقه را برای مملکت لازم
 میداند و حفظ میکند بدون اینکه بخواهد رجحان
 مودی هم قائل شود عراض من تمام شد - اگر بازم
 میخواهید بحث کنید بفرماید
 جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
 مجلس - بصر از آقای دشتی رسید است فرات بشود
 نبره ذیل را پیشنهاد میکنم
 نبره - اجناسی که قبلاً دروام است در کسری قبول
 میشود مثل کلبه اجناسیکه قبلاً در ارام کرده بود دولت
 مجلس - آقای دشتی
 دشتی - عرض کنم که بنده اصولاً باین لایحه مخالف
 هستم اصولاً بنده بانحصار تجارت مخالف و متنب
 نیستم که دولت مدخله در تجارت کند و با کد مالی که
 غیر از سیاست است تعیاس داشته باشد ولی بدلاهی

آقای وزیر عدلیه گفتند و بدلاهی هم که ذکر نکردند
 بنده مقدمه که این لایحه که امروز دولت تقدیم کرده
 است یکی از جزین اوابسی بماند که ممکن است جداً اوور
 اقتصادی شود ولی چون وقت کم است بنده دیگر
 وارد اصل لایحه و اراداتی که در لایحه نام نینشود
 برای اینکه این ابراهام مربوط تا قانون تنم و
 قانون ششم فرما بکنیم می آید و بعد هم در
 مجلس مطرح خواهد شد و وقت هم زیاد است که در
 مجلس مذاکره شود فقط در این جا یک عبارتی است که
 ممکن است دشو استفاده بشود و در عبارت این
 است که نوشته است دولت میتواند تا تصویب تنم این
 قانون از ورود مال التجاره خارجی بایران جلوگیری
 نماید مقصود این است که هر مال التجاره که امروز وارد
 کرم میخورد بشود نگذارند وارد خاک ایران شود
 این یک کار غلطی است البته نقد دولت هم میکند
 باشد ولی ماورین بطور قطع این کار را خواهند کرد
 برای اینکه مدلول صحیح قانون این است. گفتند اینجا
 لفظ می تواند است. یعنی دولت میتواند بکند میتواند
 بکند ولی این غلط است برای اینکه یک اغظالی است
 در قوانین کسهای اصلاحی دارد. میتواند همیشه یکی
 از تکالیف دولت است یعنی دولت باید این کار را بکند
 مثل اینکه در مقابل قوانین نوشته می شود دولت مجاز
 است فلان کار را بکند این منتهای این است که هم
 میتواند بکند هم نمیتواند منتهای مجاز است اینست دیگر
 در مورد تکلیف دولت این نیست که دولت میتواند
 این کار را بکند حالا اگر قصد دولت همین باشد
 که جلوگیری کند از ورود مال التجاره ولی ماورین از
 این قانون سوء استفاده میکند. هر تاجری هر قدر مال
 التجاره خواسته باشد و در راه باشد تا تصویب تنم قانون
 وارد کرد کند قبول نمیکند و می گویند در خاک ایران
 است یک شیر دیگر که کرده اند که مقصود از خانها ایران
 خروج از کرم است این هم اشتباه است خاک ایران
 همان خود کرم است و تمام این مال التجاره ها وارد
 میکنند پس بنابر این از آقای کفیل اقتصاد و از آقای
 وزیر عدلیه خواستن میکنم که این تبصره را که بنده
 پیشنهاد کردم قائل شوند بنظر بنده ضرری هم ندارد

وزیر عدلیه - بصره را بکدهها بخواهند .
(بصره بخدا برحق سابق قرائت شد)
وزیر عدلیه - آقا میرزا محمد اجناسی که فعلا در راه است اجناسی در راه اقسام دارد يك اجناسی است که دستور بکار خانه داده اند يك اجناسی است که کار کارخانه بیرون آمده يك اجناسیست که در کمرک وارد شده تمام اینها معلوم قیمت در راه است میشود و تقبض این حقوقه برای ما کامل اسباب زحمت است وای اگر بمقدور آقا این است که این اجناسی که در این چندروزه بقانون متمم انحصار میگردد آمدند کمرک به بپذیرند که گویند تو باید این را هم بشماره در وقت تکمیل اداری یا پیش کردنی بجای اولیای ما تکلیف ما معلوم شود این را ما قبول می کردنی تذکراتی را که آقا دادند کما رعایت خواهد شد بنابر این بنده عرض میکنم ملادم که این قانون از مجلس گذشته است و تکلیف این اجناسی همین بقدم است کمرک آنها را در انبار های خودش خواهد بپذیرفت .

ولیس - با این توضیح تبره را از داد و میرزا علی **دفتی** - بلی استرداد میکنم
ولیس - رای میگیرم بداد واحد آقا اینکه موافقت قیام فرمایند (عده کثیری قیام نمودند) تصویب شد
۵- طرح و تصویب لایحه اعتبار لرخ پرداخت های آقا با اسما حرجی میشود
ولیس - آقا وزیر مالیه بنده را متذکر کرده اند که لایحه مستجملی دارند که بصره مامورین ما در خارجه است و خواست دارند امروز مطرح شود چون کوچک است غیر قرائت میشود:
(بشرح ذیل قرائت شد)

کمیسیون بودجه لایحه نمره ۱۱۶۵ دولت را با حضور آقای نقی زاده وزیر مالیه مطرح شروع فرموده و با اصلاحی بترتیب ذیل تصویب و غیر آن را قلم میبرد ماد و واحد - دولت مجاز است وجوهی را که در بودجه ۱۳۰۹ بابت ماه های عین و اسفند باید با اسما

خارجی پرداخت نمود ازقراریه شش تومان از عایداتیک دولت با اسما خارجه در بابت میبازد بپردازد .
(در این موقع بعضی از نمایندگان خارج میپرداختند)
ولیس - اگر آقایان تعریف بفرماید عده ما تقریباً در لغزش است . داده واحد مطرح است مخالفی نیست ؟
آقای دفتی
دفتی - عرض میکنم بنده اینجا توجه آقای وزیر مالیه را جلب میکنم الان قیمت لبره نه تومان است و شما جاوید لبره را در اسفند و همین شش تومان حساب میکنید این سه تومان دیگرش را از کجا جور می کنید و مقید بنده باید در لایحه معلوم شود و تصریح شود که از چه عملی جبران میشود .

وزیر مالیه - بنده در جواب فرمایش آقا بگویم توضیحات بیشتری هم برای سایر مطالبی که ممکن است به نظر آقا بآین برسد عرض میکنم که دولت بودجه اش را برتومان نوشته است و يك میزان همینی از تومان ما اجازه دارد خرج کنیم در صورتیکه برای عملین خارجه با ما جورین خارجه که حالا فرض بفرمایند تا حالا شش هزار تومان میبرستادیم هزار لبره بود و در بودجه گفته میشد شش هزار تومان شش هزار تومان حالا ما نمیتوانیم بنویسیم موجب بودجه ولی وقت که اینطور باشد امر محصلین ندیکردند چنانچه آقایان اطلاع دارند که سفر ما و ماورین ما در خارجه به شش تومان حاضر نبودند و همین جهت خودتان در بودجه هده الفته تصریح فرموده بودید هشت هزار تومان تفاوت نسیر که بنویسید حالا اگر چنانچه همین قیمت ۹ تومان داده شود بهر چه در امرش نمی گذرد و از آن طرف دولت خودش عایداتی دارد که عایدات اسما خارجه خودش است مثل عایدات دفتر خانه ها و تذکره ها و شناساری های سالخانه ها قریباً خانه های ما در خارجه که کار میکنند و هر چه رویه وایر کبرشان می آید میفرستند بانکها ما آن ها را میفرستیم و علیحده نگاه میداریم و همچنین از بابت مسدود کردن آنچه بدولت ناکس عاید میشود عین لبره است لهذا این مبلغ

برای این در ماه عین و اسفند است و برای سالیه تریب دیگر می داده میشود و برای دو ماهه عین و اسفند ما در زحمت بودیم این را بنده وجه میشد لایحه کرد پسکی البته که بگویم چون لبره که عاید ما میشد شش تومان برای ما عاید میشد حالا در بودجه در واقع همان نسبت تعادلت میبازرد و حالا چون لبره ترفی کرده است عایدات دولت هم زیاد شده و برای هزار لبره ککشت هزار تومان عایداتمان میشد حالا نه هزار تومان عایداتمان میشود یعنی آن سه هزار تومان را تفاوت نسیر داریم و بدو خرج بانها میدهم یکی دیگر این است که عین لبره عین اسما خارجه را میگیریم و میدهم بانها این اسان فرموده است بود همین جهت این طرز را اتخاذ کردیم که آقای ولیس هم تذکر دادند که این لایحه مستجمل است بواصله اینکه از اول بهر چه ما با بجان وزارتخانه ها نتوانستند تعهدات خودشان را بدهند یعنی آن مقدار تومان بدهند لبره میگردد برای محصلین دولتی با سفارخانه ها و غیره بفرستند کافی نخواهد بود و حق هم ندارند که بیشتر از آن بدهند اما بهر چه البته این قانون تصویب شد این کار اصلاح میشود

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
ولیس - بنده عرض دارم
ولیس - آقای روس بفرمایند
ولیس - آقای وزیر مالیه اولیایان را بفرما کیون نمی آوردند و از این جهت ما ناچاریم آنچه به نظرمان میرسد در اینجا بگویم و البته يك مطالبی است که در ضمن مذاکره و مباحثه حل میشود عرض میکنم بنده اولاً میخواهم به بینم ارچه جهت دولت این تبعیض را قائل شده است برای چه آقا در خارجه بوده اند بنده هم بوده ام نمایندگان ایران در خارجه اینها بگفتند اگر حال این مملکت که تا با امروز رفته اند فایده ندانند در صورتیکه اینها باید يك خدمات عمده کرده باشند و يك بار از آنجا بر می آید که در این مملکت و در این مملکت باشند و بالاخره باید کارهای اقتصادی برای ما میکنند

این وزیر فشار را بدون قسمت اشغال جنوب مملکت را در نظر کرد برای چه بود برای کارهای اقتصادی بود برای این بود که راپرت بدهد به بانکست و ببیند چه چنی از بانکست باید در اینجا وارد کند و چه نتیجه اقتصادی ببرد اما ملاحظه بفرمایید اینها يك راپرت داده اند که واضح به کتبره و چاپر چیزهای دیگر چه باید بکورد و بالاخره بگفتند برای مملکت کار نکرده اند و همین حق را هم که بانها میدهند زیادی است . . .

گورچی - میگویند در سفارتخانه هارا به بنده گورچی - بنده بنده بنده برای ما مطالب سایرین بخشان بدهند بجهت اینکه باید بانها یکی بدهند که حسن عمل داشته باشند و چیز خوبی نمی شنوم ملاحظه بفرمایید بنده خبر دارم که يك منت محصل ایران يك منت میپارگان در آنجا هستند که بنده این تبعیض را قبول آقای پاسال چرا باید دولت بکند که بمصلحت خودش لبره شش تومان بدهد ولی بیخاشس دیگر لبره نهمانی بدهد اینها که بخرج خودشان اولادهاشان را فرستاده اند که تحصیل کنند يك تسهیلاتی فراهم کند و بنده لهذا بنده میخواهم میگویم محصلی هم که بخرج افراد تحصیل میکنند دولت تکلف است که آنها را هم شش تومان حساب کند.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
وزیر مالیه - بعضی از آقایان میفرمایند مذاکرات کافی است ولی ایشان يك اظهاراتی فرمودند که حتماً باید جواب داده شود اولاً باید یک بنده رسماً باین اعتراض اولیایان جواب عرض کنم که بنده فرمایند تمام مامورین و نمایندگان ما در خارجه هیچ کاری ندارند و يك پول سیاه ارزش ندارند اینطور نیست آقا نمایندگان ما در خارجه اگر شما خاطراتنا باشد که از چندین سال باین طرف چند دهر زین اصلاحات بعمل آمده است و در این زمینه هم اصلاحاتی شده است (صحیح است) ما نمایندگان بسیار آرومندی در خارجه داریم (صحیح است) عرض میکنم کاینها کار میکنند و در این مملکت هم می آید در وزارت امور خارجه و وزارت خارجه م

آنها را چاپ نمیکند و البته کارهای بزرگی که حقیقتاً برای ما خیلی فایده دارد از قبیل کارهای اقتصادی و روابط بینا بین دولتن است انجام داده اند حال آنکه قسمت فرسوده امريك شهربی يك نوسولی داریم شاید هم لازم باشد پایبندانه وقتی که درپودجه میاید در آن وقت ممکن است بگویند این لازم نیست اما وقتی که درپودجه نوشته دیگر نشود و باید همان حثولی را پیش بدهند يك تومان هم كتر بخواهیم یعنی بدهیم امرش نمیکند آبروی دولت میبرد آبروی مللک

میروید پس بنا براین ایرت... هیچ مربوط بان قسمت ما نیست يك تهمدی است که دولت دارد و باید بهره بدهد این را شما نمیتوانید باثومان بدهید محصلین دولت هستند بعضی چیزها هست که دولت سفارش داده است دستور داده است تمهید دارد یکی از آنها البته ماورین دولت درخارج هستند چنانکه عرض کردم اگر لیره را که شما میگویید به نومان بدهید بدهی پس چرا صد هزار تومان درپودجه قانوت گذاشته اید یعنی یک لیره شش نومان را پنج تومان منظور کرده بودم اورا هم که میسر نشده است تا حالا بدهید حالا اینها متصل مطالبه میکنند و متصل کاغذ میپوشند که همانکه درپودجه منظور شده است لیره مارا قیمت پنج تومان بدهید حالا شما جواب بدهید که خبر ما این پنج تومان که نمیدهم هیچ بد از این هم كتر را شش تومان نمیدهم و نومان خواهم بدهد خوب اگر شما هزار تومان حقوق داشته و همادقدر هم معاضد داشته بودست لیره بگریزید صد هزار هتاد لیره دیگر با صد هتاد لیره را صد و دویزب کردیم خوب شما درکبران امران نمیکند این خانه خارجی می شود گراهای خانه میخواهد چراغ می خواهد هزار خرج دارد و نمایش هم پاینده است و بالاخره در اینجا آن تهمدی را که دولت کرده است نمی توانند پالین یادرد تزل پول ما درداخله تأثیر فوق العاده ندارد و شاید بی ضرر زمان تأثیر داشته باشد ولی در دسترس باسما خارجی بی ضرر فوق العاده دارد و الا در سلسله قران فران و تومان تومان است و بسجرد اینکه يك روز لیره بافرانك که يك انجیز خارجی است درجریان عمومی تا بالا رفت درجریان پولی ما درخارج تأثیر میکند

پیشنهاد آقای پاسلی:

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی - بنده بقره ذیل را پیشنهاد میکنم:

بقره - هم چنین دولت مللک است بوسیله بانکدلی و جوهی که برای محصلین غیردولت اعزامی بخارج فرستاده میشود بلیزه ازقرار شش نومان مجبور دارد پاسلی - بنده با يك قسمت عالی از این داریت ایرادی ندارم و فرمایات آقای وزیر مالیه کاملاً صحیح است و قانونی که قائل شد است باید دولت در نظر بگیرد مخصوصاً راجع بباواریتی که در خارج هستند دولت محصلین که دولت فرستاده است چه نمن قسمتیه متخاصم بخارج آنها خوب شده است وجه وزارت ملافه قانوت بوجوب مخصوص فرستاده است آنها را بخارجشان را خود دولت میدهد و با آنها می رساند ولی ملاحظه فرمایید يك اشخاص با زحمت و مشقت زیادی بچهای خودشان را فرستاده اند بخارج میخواهند پول بفرستند برای آنها باید اذین از قرار نومان بخزند و بفرستند این پنج لیره است و يك تبیض خیلی نادرالی است شما خودتان خیال کنید که الا آن وزیر مختار آپس هشتم محصلین دولتی و غیر دولتی باید در نظر شما بگسان باشد در سرپرستی و مراقبت همه دختر شما بگسان باشد بپاره شاید پدرش هم مقرب باشد لیره رود لیره را از قرار نومان باید زحمت برایش تهیه کند و بفرستد ولی محصلین دولتی که مال خودگان هستند لیره از قرار شش تومان بدهید بقیه بنده این را دولت باید قبول بکند که این قسمت هم در ضمن این قانون باشد و بالاخره دولت هر تهمدی

هر تهمدی که میکند برای این ملک است و از این ملت بگیرد و باید خرج همین ملت بکند این افرادی که آنها تحصیل میکنند آنها را باید مسلک گذاشت فرماً این قضیه آنها را اسفرد میکند و آنها را مجبور میکند که در وسط مال و موقوف آنها را بخواهند و کسی که باید سه سال در آنها باشد پنداز دوسال بر گردد پس دولت باید ارفاق کند و مساعدت کند که آنها هم بتوانند تحصیلشان را تکمیل کنند و بنده از این جهت این پیشنهاد را تقدیم کردم.

لایحه عالی - آقای باسالی وقتی سکه بلند شده که

انگاران میفرمایند بنده خیال کردم میخواهد مسئله که انکار عمومی را بخود مشغول کرده است و همه آقایان در اینجا شکایت داشته که لیره برای محصلین غیر دولتی در خارج پیدا نمی شود فرمایند من خیال کردم این مسئله است که جواب عرض كتم يك قریب داده شده است برای این كار و دوباره دولت يك قریب داده است که بهتر خواهد شد برای محصلین غیردولتی که يك وجهی گذاشته می شود پیش خزانه و بانک ملی برای محصلین غیردولتی که این را بفرستند ولی تصور نمی کردم که انتظار داشته باشند که دولت خوددولت که حالا نومان قسمت دارد بپردازم و بپردازم بدهیم از قرار شش نومان آتوق مثل این است که دولت در بودجه باید منظور بدارد که صد هزار تومان پنجاه هزار تومان بپردازم بدهد حالا چرا محصلین آنها را می فرماید اشخاص دیگری هم هستند که مرض دارند فرستاده اند آنها و قریب صد هتاد لیره باید داد بخارجی هم هستند مال التجاره خود است و بدهفتا هم ننشوند از قرار نومان بدهند آنها را هم همینطور معسول بدارم پس این مانعش وسیع می شود باید که دولت مخالفت کند بكار های مردم این هم البته يك تحصیل فوق العاده است و باید هم سلكی که دولت در واقع از لیره خودش بپردازم بدهد آتوق چیزی را که ما باید تأمین بکنیم و حق داریم و همه آقایان هم نگران هستند که مردم پول در دستشان است و اولاد خودشان را فرستاده اند بخارج و نمی توانند بخارج بفرستند این را میفرمایند بالاخره اینها هم که اولادشان را فرستاده اند بخارج مثل این لباس است که

شما میپوشید سابق لباسها پنج تومان و شش تومان گرفت حالا نومان و ده نومان میدهند اینهم مثل عامی متخرج مردم است متخرج اشخاص خصوصی همان اولادشان است که در خارج تحصیل میکنند ولی این اشخاص میگویند که پول در دست ما هست نومان ده نومان دوازده نومان خازرم لیره نیه كتم ولی نسبت از كجا پیدا كند. حالا قول از اینکه لیره ۷۰ رقه باشد دولت برای دوماه قریب داده که از پول خودش لیره که بدستش میاید سی هزار تومان كنگ گذاشت برای محصلین غیردولتی و هر كس که رفت و مطلق تصدیق وزارت ملافه معرفی کرد یا میدهند و حتی خدمت آقایان عرض میکنم که آخر این دوماه و حق منقضی شده بود چهار پنج برابر لیره هم زیاد رانده بود متصل مردم میروند بوزارت ملافه و اقتصاد با وجود این همه اعلانات که در روزنامه ها شده که از اینك ملی بگیرند ولی ظاهراً اغلب مردم گرفتند تصدیق لیره زیاد آمد ولی نرخ لیره را که بالا بردند تصور میشد که لیره فراوان می شود و دیگر محتاج نمی شود که دولت با آنها بفرشد چون خود دولت هم میفرود و زحمت تحصیل بیکه برای احتیاجات دولتی بهداز چندی در این دوسه هفته اوضاع بدتر شد و بانكها نشانند و اسما بهر بند و همان سختی سابق در كار بود شكایت زیاد شد اینجا از خارج و بالاخره مائرتیبی دادیم دوباره که شاید از فردا و امروز تاسیر فردا تمام سوزناش مرتب میشود بی کسی برود پیش بانك این صورت گذاشتی می شود پیش بانك و قریب صد هتاد لیره باید داد پیش بانك پیش میفرستند ولی البته لیره را در بقیه تا نومان میفرودند حالا آقا میفرمایند این خیلی ناخق است و دولت باید انكامل پول بگیرد و بملت بدهد عرض میکنم انكامل پول بگیرد و بانك داشته باشد تمهات بمحصلین كتم که خوب است بدهد بگسان تجاری هم که پیش خرید کرده بود پیش فروش کرده بود كتم می کرد خوب بود و به مرض هم که در آن جا بود كتم می نمود بطور کلی همه اینها خیلی خوب است اما با این بودجه ملك و زحمت زیادی که داریم اینطور كك ها و تضللات برای دولت

نسبت با افراد خیلی مشکل است و گمان نمیکند بتواند انجام بدهد.
 بعضی از نمایندگان - مذاکرات کلی است
 رئیس - ضرورت کافی است چون در پیشنهاد بکنفر
 بیشتر حق ندارد حرف بزند.
 رهبرها - بنده اخطار نظامنامه دارم
 رئیس - بفرمائید

رئیس - من در فرمایش آقای جنتجو کردم جنبه
 اخطار نداشت چون فرمودند اخطار میکنم بملامه بنده
 هم مسموم بودم به پیشنهاد آقای یاسائی رای بگیرم برای
 اینکه همانطور که متذکر شدند جنبه خرج دارد
 پاسائی - اجازه بفرمائید در این قسمت بلاعرض بکنم
 رئیس - این قسمت مطرح نیست آقایانی که با ما
 واحد موافقت ورقت سفید خواهند داد

رهبرها - عرض میکنم يك اعتراضی در پیشنهاد نمائید
 محترم بود و آن اینست که چون پیشنهاد جنبه خرج دارد
 بهتر این است اینقبیل پیشنهادت مطرح نشود که سابقه
 پیدا نکند بنده از آقای پاسائی خواش میکنم که پیشنهاد را
 استرداد کنند و از طرف دیگر هم بنده در این باب خیلی
 متعجب شدم از اظهاری که آقای وزیر مالیه کردند تقریباً
 يك پیشنهادی بود که مطابق فکر و روح آقای تنی زاده
 بود در هر صورت در قسمت پیشنهاد چون جنبه خرج
 دارد و مخالفین صریح نظامنامه است و اکثر رای
 گرفته شده معصن است يك سابقه ایجاد شود هنوز
 این است که استرداد کنند حالا ممکن است
 يك نمائنده دولت راضی کند برای نسیس يك مملو
 همتی آن يك امر علیحده است ولی این قبیل پیشنهاد
 ها مستقیماً جنبه خرج دارد

(اخذ و استخراج آراء بمثل آمد ۸۱ ورقه مفید تعداد شد)
 رئیس - عده حاضر ۸۷ با کثرت ۸۱ رای تصویب شد
 ۶ - مقدم ۳ فقره لایحه از طرف آقای وزیر عدلیه
 و لریر عدلیه - بنده سه لایحه تقدیم میکنم و وقت
 آقایان را بیکرم خفتان تنگ نشود
 ۷ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه]

رئیس - اگر موافقت بفرمائید جلسه را ختم کنیم
 (صحیح است) جلسه آینده یکشنبه دهم اسفند سه
 ساعت قبل از ظهر دستور عهد نامه مودت و قرارداد
 اقلت ایران و چک اسلواکی و عهد نامه لیتوانی و لایحه
 راجع باجرالیت و آنچه که موجود است
 [مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد]
 رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

اسامی رأی دهندگان :

- آقایان : جهانبانی - جنیدی * دستانی - سید کاظم پردی - پوشهری - امیر ابراهیم - دهستانی - هیلوی - بیات - استقبالی
 مسعودی نرسانسی - محمد علی میرزا دولتمانی - امیر تیمور - ساکنیان - میر سید محمد محیط - محمد ضیائی - طباطبائی و کلبی
 دادور - شریلی - دیر سهرابی - صفاری - نثار الاسلامی - بیات ماکو - تربیت - مقدم - فرشی - اسکندری - باستانی - امیر ماسری
 حاج میرزا حسینخان قاضی - خواجوی - دکتر احتشام - دکتر لقمان - ملایند اسدی - وهاب زاده - بهمانی - روحی - میرزا پاس
 میرزا محمد حسین نواب - کفائی - میرزا حسین خان اکتار - دکتر امیر اعلم - لیتوانی - محمود تاشی - طهرانی
 دکتر طاهری - احتشامزاده - دمازونی - اسدی - طهرانی - طالش خان - مولوی - امیر حسینخان بختیار - چکادو - مزدهی
 هراز - دکتر ملک زاده - غیر فرهنگ - فتوحی - امیر دولتمانی - میرزا محمد خان وکیل - حبیبی - دکتر سنک - منعم سنک
 قحطلی خان بختیار - میرزا - دکتر شیخ - افسر - اسد - هزار جری - اعتبار - وهنبا - عبدالعزیز خان دیا - آدیبه جان یازلی
 طغی - پاسائی - عسکری میرزا دولتمانی - نصیری - حاج حسین آقا مهدوی - ملک زاده آملی